



بررسی عملکرد مدیریت شهری با تأکید بر مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهری

زهرة احمدی

کارشناسی ارشد، باستان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر

چکیده

با توجه به نقش عمده و حیاتی مشارکت شهروندان در مدیریت شهری و در نهایت توسعه پایدار شهری، انجام پژوهش هایی از این دست برای شهرها ضروری است؛ چرا که باعث شناخت نقاط قوت و ضعف و در نهایت ارائه راهکارهای مناسب جهت بهبود نواقص خواهد شد و تأثیر عمده‌ای در ارائه خدمات شهری مطلوب به شهروندان، سرعت بخشیدن به توسعه و عمران محدودهای شهری و در نهایت مدیریت مطلوب شهرهای مختلف ایران خواهد داشت. پژوهش حاضر با هدف بررسی عملکرد مدیریت شهری با تأکید بر مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهری انجام شد. پژوهش حاضر از نظر روش‌شناسی بر اساس هدف از نوع بنیادی نظری و کیفی است. چارچوب نظری این تحقیق بر مبنای نظریه های توسعه پایدار می باشد و بر اساس ماهیت از روش از نوع توصیفی - تحلیلی است. داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای- اسنادی، مشاهدات میدانی گردآوری شده است. پژوهش نشان داد که بین مدیریت شهری و میزان مشارکت شهروندان؛ بین مدیریت شهری و توسعه پایدار شهری، بین توسعه پایدار شهری و میزان مشارکت شهروندان شهر رابطه وجود دارد و در انتها پیشنهاداتی جهت افزایش نقش مشارکت شهروندان در توسعه مدیریت شهری و توسعه پایدار شهری شهر ارائه شد.

واژگان کلیدی: مدیریت شهری، توسعه پایدار، مشارکت شهروندان.



مقدمه:

مدیریت شهری به عبارتی یک سازمان گسترده متشکل از تمام عناصر و اجزای رسمی و غیررسمی زیربُط و مؤثر در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی حیات شهر با هدف اداره، هدایت، کنترل و توسعه همه جانبه و پایدار شهر مربوطه است که از بخشها و نهادهای مختلف تشکیل میشود (کاظمیان و سعیدی رضوانی، ۱۳۹۳). مدیریت شهری فرآیندی است که شامل امور مربوط به سیاستگذاری شهری، برنامه ریزی شهری، تصمیم گیری شهری، نظارت بر برنامه ها و طرحهای شهری، تأمین مالی هزینه های شهری و مشارکت در تأمین نیروی انسانی لازم برای اجرای پروژه توسعه شهری است که توسط سازمانهای دولتی و محلی، شهرداریها و شوراهای اسلامی شهر میتواند انجام بگیرد. به عبارت دیگر، مدیریت شهری، کوشش افراد و نهادهایی (شوراها و شهرداری ها) است که تلاش میکنند که اهداف و راه حل های پیشنهادی در برنامه های شهری از طریق به کارگیری منابع موجود و یا مشارکت مردم و سایر دستگاه های اجرایی با حداقل هزینه و حداکثر کارایی در زمان مقرر تحقق یابد (مهرآبادی آرانی، ۱۳۹۵) مشارکت به طور عام موجب افزایش کارایی برنامه های توسعه میشود و کیفیت تصمیم گیری ها را بالا میبرد و دولت ها را تشویق میکند تا با قدرت و توان بیشتری به سازماندهی ساختارهای نامتمرکز بپردازند. اگر جریان مشارکت به نحو مطلوبی مورد توجه قرار گیرد، موجب سازگاری بیشتر برنامه ها و سیاستهای اتخاذ شده با شرایط اجتماعی میشود، بدین ترتیب بستر مناسبی برای ایجاد فضاهای فرهنگی و روانی برای اجرای سیاستهای مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به وجود میآید. در نهایت میتوان گفت که آنچه امروزه توسعه و بهره وری خدمات شهری را تضمین میکند، مشارکت کلیه شهروندان در فعالیت های شهری است که میتواند مشروعیت، مقبولیت و رضایتمندی شهروندان را برای مدیریت شهری توأمان به ارمغان آورد (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۷) با توجه به مسائل و مشکلاتی که کلان شهرها دارند بایستی به ابعاد و اصول توسعه پایدار شهری توجه کرد و برای رسیدن به توسعه پایدار انسانی، شهر پایدار و پایداری شهری، باید برنامه ریزان، شهرسازان و مدیران شهری، با مدیریت صحیح و سالم بتوانند فضایی سالم و درخور برای مردم ایجاد کنند. در واقع مفهوم توسعه پایدار به تغییرات شهری و به فرم کالبدی شهری توجه دارد و نکاتی مانند برنامه ریزی آموزشی، بهداشتی و رفاه اجتماعی را نیز دربر گرفته است (تاجیک، ۱۳۹۶) (آنجایی که گستره شهر، جمعیت روزافزون و موضوعاتی نظیر ناهنجاریهای بصری و زیست محیطی، ترافیک، آلودگی هوا، ناپایداری و نایمندی بنا و نارسایی در عرضه خدمات شهری، مدیریت شهری را در این مسیر قرار میدهد که راهکارهای کارآمدی نظیر توسعه پایدار را اتخاذ کند. در جهت دستیابی به این توسعه پایدار شاید بعد از انسان که به تعبیری شهروند است و بدون انسان، توسعه پایدار شهر مفهومی ندارد، مهمترین عامل، منابع پایدار شهری هستند. مدیریت شهری در ایران با چالش های فراوانی روبرو است که از جمله آن میتوان به پراکندگی مسئولیت ها و نقش ها، عدم یکپارچگی، عدم هماهنگی بین بخشی و ضعیف بودن مشارکت مردمی در مدیریت شهری اشاره کرد. این چالش ها در تمامی شهرهای ایران کم و بیش به چشم میخورد. مطالعات مختلف نشان داده اند که جهت کارآمدی مدیریت شهری، جذب مشارکت شهروندان ضرورتی اجتناب ناپذیر است، لذا در تمام جهان یکی از مهمترین دغدغه های مدیریت شهری، جذب مشارکت شهروندان است (رفعیان، ۱۳۹۵) بنابراین پژوهش حاضر سعی دارد به بررسی عملکرد مدیریت شهری با تأکید بر نقش مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهری شهر بپردازد.

ادبیات پژوهش



مدیریت شهری

مدیریت شهری عبارت است از یک سازمان گسترده، متشکل از عناصر و اجزای رسمی و غیررسمی مؤثر و ذیربط در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی حیات شهری که اداره، کنترل و هدایت توسعه همه جانبه و پایدار شهر را عهده دار است (کاظمیان، سعیدی رضوانی، ۱۳۸۲). مدیریت شهر مفهومی وسیع و گسترده دارد و تا حدی دارای مفهوم مبهم می باشد، این که از آن تعریف و مفاهیم گوناگون ارائه شده ناشی از نگرش های متفاوت است که میتوان در یک دید کلی آن را اینگونه تعریف کرد: مدیریت شهری عبارت است از سازماندهی عوامل و منابع برای پاسخگویی به نیازهای عمومی شهروندان. گسترش، تنوع و پیچیدگی مفهوم مدیریت شهری آنچنان است که به هیچ وجه نمیتوان شهرداری را معادل مدیریت شهری دانست، شهرداری مسئول مدیریت شهر است. استفاده از واژه مدیریت شهری برای اولین بار در سال ۱۹۸۶ از سوی سازمان بین المللی برنامه مدیریت شهری (UMP) که از جانب بانک جهانی، مرکز سازمان ملل برای اسکان بشر (UNCHS) و برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) حمایت میشود، جهت مدیریت رشد شهرها در کشورهای در حال توسعه مطرح گردیده است (کیانی، ۱۳۸۶).

در نگاه دیگر تلاش برای هماهنگ کردن و یکپارچه کردن اقدامات دولتی و خصوصی برای چیره شدن بر مسائلی که ساکنان شهرها با آن مواجه هستند، می باشد. مدیریت شهری، تنظیم اهدا، برنامه ریزی، اجراء، عمل، نگهداری، عرضه کار و ارزیابی نتایج را بر عهده داشته و در تمامی این موارد به مشارکت شهروندان نیاز اساسی دارد. بر پایه نگاه سازمانی به مدیریت شهری آن را سازمانی پنداشته اند که در رأس آن عنصری برای برنامه ریزی آینده و اداره امور کنونی قرار میگیرد که آن را مدیریت شهری می نامند. مدیریت شهری یک سازمان گسترده متشکل از عناصر و اجزای رسمی مؤثر و ذیربط به شمار میرود که در ابعاد مختلف اجتماعی- اقتصادی و کالبدی حیات شهری با هدف اداره، کنترل و هدایت توسعه همه جانبه و پایداری شهری عمل میکند (یحیی پور و هاشمی، ۱۳۹۰).

عملکرد مجموعه مدیریت شهری

بررسی های تاریخی نشان میدهد که سابقه مدنیت و شهرنشینی در ایران یکی از طولانی ترین سوابق شهرنشینی در جهان است و این بیانگر قدمت دانش و تجربه مدیریت شهری در سرزمین کهن ایران است. اما با وجود چنین سابقه درخشانی، متأسفانه تصویر وضع موجود سیستم مدیریت شهری در ایران، تصویر مغشوش و نامتعادل بوده که علیرغم تغییرات حاصله در مقتضیات زندگی امروزی، پیچیده شدن مسائل شهری و گسترش حیطه وظایف و مسئولیت شهرداریها، هنوز هم قانون مصوب (۱۳۳۴) علیرغم اصلاحات و افاضات متعدد) به عنوان قانون اصلی در شهر وظایف شهرداریها تلقی میگردد. امروزه شهرداری در ایران به جای آن که سازمانی فرابخشی باشد (همچنان که در کشورهای متمدن مرسوم است) تبدیل به سازمانی شده که با از دست دادن تدریجی بخشی از وظایف و اختیارات خود، وظایف بدون متولی و یا وظایفی را که اصطلاحاً بر زمین مانده اند را بر عهده گرفته و توافقی را هم در خصوص محدود وظایف مذکور با سازمانهای ذیربط دولتی حاصل نیامده است و از سوی دیگر روز به روز توقعات عمومی و حتی انتظارات مسئولان دولتی از شهرداری رو به افزایش است که در جامعه مدنی، نهادهایی که موجودیت خود را از آراء و تمایلات مردم کسب میکنند. در حقیقت باید به نمایندگی از مردم نقش مؤثری در اداره امور محلی ایفاء نمایند و به واسطه وجود شورای شهر، مردمی و غیردولتی بودن مهمترین ویژگی شهرداری ها به شمار میرود اما به دلایل فراوان سیستم مدیریت شهری و شهرداری ها در ایران تاکنون انتظارات به حق مردم را محقق نساخته است (چن، ۲۰۱۹).

برخی از عوامل مؤثر در ضعف عملکرد شهرداری ها به شرح ذیل است.:

- نامشخص بودن جایگاه اصلی شهرداری ها به عنوان سازمانی مردمی و فرابخشی در نظام مدیریت شهری، به دلیل وجود ابهاماتی در نحوه تعامل، هماهنگی و ارتباط آن با سازمانها و ادارات متعلق به نظام اداری مرکزی.
- عدم تطابق بین وظایف و مسئولیت های متنوع شهرداریها با وجود امکانات و اختیارات قانونی آنها
- عدم تطابق بین ساختار سازمانی و شرح وظایف شهرداری ها با پدیده ها، مشکلات و مقتضیات زندگی مدرن امروزی



➤ یکسان بودن شرح وظایف شهرداریها در سراسر کشور بدون توجه به تنوع و تفاوت اساسی بین مردم جوامع گوناگون شهری در ایران

با عنایت به موارد فوق و با استناد به قانون شرح وظایف و اختیارات شورای شهر، جایگاه و موقعیت نمایندگان مردم نیز در مجموعه مدیریت شهری، مبهم و مغشوش بوده و حیطه و عمق وظایف این شورا در نظام مدیریت شهری کاملاً روشن و شفاف نیست و در چنین شرایطی، از طرفی افزایش سطح انتشارات و توقعات مردم از نمایندگان خود در شورای شهر به دلیل عدم آگاهی نسبت به حیطه وظایف و اختیارات قانونی آنها و از طرف دیگر وجود عناصر و نهادهای متعدد مؤثر در مدیریت شهری که خارج از کنترل و دسترس نمایندگان مردم هستند، موجب بروز نارضایتی و دلسردی در بین مردم شده است (مهرآبادی آرانی، ۱۳۹۵)

مشارکت شهروندان

تعریف شهروندی

شهروندی مفهوم جذابی است که عموم مردم و به ویژه احزاب سیاسی، همواره تلاش میکنند تا از آن بهره ببرند. شکوفایی مفهوم شهروندی در برهه زمانی مشخص ولی نسبتاً کوتاه با تاریخ تمدن یونان منطبق است. ضمن اینکه مفهوم شهروندی به تدریج شکل گرفت و نمیتوان با اطمینان تعیین نمود که در چه زمانی، معنای قطعی خود را باز یافته است. در شهر آتن بود که شهروندی توسعه کامل یافت و یک واقعیت روزمره شد و از نیمه دوم قرن پنجم ق.م، اندیش های نظری پیرامون مفهوم *Politeia* پدید آمد. این واژه لفظی است کلی که نه تنها به شهروندی، بلکه به مجموعه جامعه شهری اطلاق میشود و در بطن خود نظام نهادهای دولت شهر (*Polis*) را نیز شامل میشود پس مشارکت در *Politeia* یعنی شهروند شدن و برخوردار شدن از حقوق شهری و مدنی. به عبارت دیگر، شرط لازم جامعه سیاسی، وجود شهروند است و از آنجا که دولت شهرهای پیشین و حکومت های محلی و شهری فعلی، مخالف سرسخت استبداد و تضییع حقوق فردی و جمعی بوده و هستند، یک حاکم مستبد به کلی ضد شهروند است. به این ترتیب، مفهوم شهروند یک مفهوم سیاسی در وهله نخست است و فعالیت سیاسی به منزله نخستین فعالیت شهروندان به شمار می آید؛ تا جایی که مسأله مشارکت شهروندان در امور دولت شهر بیشتر ناشی از بینش «مسئولیت» است تا «حقوق شهری و شهروندی» یعنی شهروندی، توانایی افراد را برای قضاوت در مورد زندگی خود تأیید میکند و زندگی آنها از پیش به وسیله نژاد، مذهب، طبقه یا جنسیت تعیین نمیشود. بنابراین یک شهروند خوب باید از قابلیت های لازم برای اداره کردن و اداره شدن برخوردار باشد، لذا آموزش و تعلیم نقش بسیار مهمی در ساختار سیاسی جامعه شهری و شهروندی ایفاء میکند

حقوق شهروندی

حقوق شهروندی جزء لاینفک جامعه مدنی و مبنای تشکیل آن به شمار میرود؛ چرا که امکان مشارکت داوطلبانه همه افراد را در تمام عرصه های اجتماعی فراهم میسازد. بنابراین، در گذر از جوامع سنتی به مدرن تغییراتی در جهت تحقق حقوق شهروندی در سطوح فردی و ساختاری پدید میآید (هزار جریبی و امانیان، ۱۳۹۰). مارشال سه نوع حق در ارتباط با حقوق شهروندی تشخیص داده است: حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی. حقوق مدنی به حقوق فرد در قانون اطلاق میشود که شامل آزادی افراد برای انتخاب محل زندگی، آزادی بیان و مذهب، حق مالکیت و حق دادرسی یکسان در برابر قانون میباشد. حقوق سیاسی دومین نوع از حقوق شهروندی محسوب میگردد؛ مانند حق شرکت در انتخابات و حق انتخاب شدن. سومین نوع حقوق شهروندی که مارشال تشخیص میدهد، حقوق اجتماعی است. این حقوق به حق طبیعی هر فرد برای بهره مند شدن از یک حداقل استاندارد، رفاه اقتصادی و امنیت مربوط میشود و شامل مزایای بهداشتی و درمانی، تأمین اجتماعی در صورت بیکاری و تعیین حداقل سطح دستمزد است. به سخن دیگر، حقوق اجتماعی به رفاه اجتماعی مربوط میگردد. بر این اساس میتوان گفت که شهروندان هنگامی میتوانند به توسعه پایدار و تعالی پویای شهرشان برسند که بتوانند مدیریت شهر را مشروط به اعمال حقوقی کنند که برخورداری انسانی از آنها فرض است؛ این حقوق عبارتند از:

۱- حق بر شهر: که راه اظهار نظر و تصمیم گیری در باب شکل و ساختار شهر و دگرگونی های شکلی و کاربردی جاری و آتی آن را برای شهروندان می گشاید



۲- حق شناخت: رمز و سری در شهر نیست که شهروندان حق شناخت آن را نداشته باشند، چه در باب راهکارهای اقتصادی- تولیدی، چه در باب نظام های اداری- حقوقی و چه در باب ذخایر و منابع حیاتی و معیشتی، شبکه های خدمات رسانی و ایمنی و همچنین در باب چگونگی استقرار و استمرار منابع و توان های زیست محیطی، بوم شناختی و ...

۳- حق تحرک اجتماعی برای شهروندان: از طریق ایجاد تسهیلات در گزینش آزادانه مسکن و شغل فراهم میشود. برخورداری از حق تحرک اجتماعی- به معنای سیال بودن وضعیت استقرار آدمیان در پهنه شهرستان- تضمین کننده حق تحرک معنوی و متعالی ساکنان شهرها میشود و آنان را از وابستگی تا حد تعبد از کارفرمایان، صاحبان و مالکان عرصه و اعیان می رهااند.

۳- حق تفاوت: به معنای آزاد بودن شهروندان در تشخیص و تعیین هویت فردی خود است و تضمین کننده سلامتی و پرورش آدمیان در طول دوران شهرنشینی و شهری زیستن آنان میشود و از راه فراهم آوردن شرایط لازم برای بنای فضای کالبدی موافق یا هماهنگ با سلیقه ها و با خلیقات فردی، به زنده ماندن ارزشهای انسانی در محیط شهری کمک میکند

۴- حق مشارکت در مدیریت شهری: مشارکت در بنای شهر و حق مشارکت در بهره برداری از تمامی ابعاد فضایی شهر را به همراه داشته و ریشه های ساختاری جامعه مدنی را رشد میدهد.

مشارکت شهروندی یا مردمی

مشارکت مردم عبارت است از فرآیند و حق اساسی که در طی آن مردم عاقلانه و با آگاهی، اراده و رغبت در زمینه امری خاص با قبول گوش های از مسئولیت آن به طور گروهی سعی در ارضای نیازهای روحی و روانی فردی و گروهی خود در همیاری جهت رسیدن به اهداف پیش تعیین شده بر اساس نیازهای واقعی اولویت بندی شده با در نظر گرفتن امکانات و محدودیت ها جهت یافتن هویت فردی و جمعی در جامعه میباشد. حال اگر محدوده مشارکت را شهر در نظر گرفته و نوعی از برنامه ریزی فرآیندنگر با چارچوبی مشارکتی را مدنظر قرار دهیم و عواملی چون عدالت اجتماعی قانون، توسعه پایدار را در آن دخیل کنیم، برنامه ریزی شهری (شهرسازی) مشارکتی را خواهیم داشت. گاهی فرآیندهای مشارکتی منجر به توسعه اجتماعات محلی شده و منجر به توسعه از پایین به بالا میشود که زیر بنای آن سازماندهی اجتماعات محلی و بسیج قابلیت های درونزای اجتماعی بوده که خود عامل بهره گیری از سرمایه های اجتماعی میشود (فنی و صادقی، ۱۳۸۸). یک بعد مسأله تصمیمات، قوانین و سیاستهای شهرداری و بعد دیگر انتظارات و خواسته ها و نهایتاً حمایت و مشارکت فعالانه شهروندان است. از دهه ۱۹۸۰ میلادی به بعد، کارشناسان مدیریت شهری متوجه این موضوع شدند که طرحها و برنامه های شهری تنها زمانی موفقیت آمیز خواهند بود که متناسب با نیازها و خواسته های اقشار، طبقات و خرده فرهنگ های گوناگون و متنوع جامعه تدوین و تبیین گردند. نتایج تحقیقات وسیع و گسترده جامعه شناختی دال بر این امر است که برنامه ریزی های شهری تمرکزگرا دیگر قادر به حل مسائل پیچیده تر و گسترده تر کلان شهرها نیستند. بر این مبنا شاهد گرایش هر چه بیشتر مدیریت شهری و اندیشمندان جامعه شناسی شهری به برنامه ریزی محلی، مشارکتی و از پایین به بالا در قیاس با نوع سنتی برنامه ریزی دستوری و از بالا به پایین هستیم. تمرکززدایی و محله گرایی در واقع واگذاری امور محله ای به مردم همان محله است. ایجاد واحدهای محله ای موجب ارتقاء و کارآمدی نظام مدیریت شهری و تسهیل در اداره امور شهر و صرفه جویی های وسیع اقتصادی در درازمدت خواهد شد. اگر باب مشارکت فعال بسته باشد و شهروند به شهرنشین تنزل پیدا کند، نه تنها شاهد رشد و تعالی شخصیت مردم، بسط و استخراج توانایی های افراد، تقویت هویت شهری و احساس تعلق به شهر، تقویت حس اعتماد و همکاری میان اهالی شهر و شهرداریها نیستیم، بلکه دارای کمترین میزان کارکرد و بهرهوری در نظام مدیریت شهری نیز خواهیم بود. مشارکت شهروندان در جامعه شهری حامل نتایج بس گرانبها و متقابلی برای حکومت محلی و شهروندان خواهد بود. رویارویی با مسائل و مشکلاتی که ابرشهرهای جهان با آن دست به گریبان هستند مانند انفجار جمعیت، حاشیه نشینی و اسکان غیررسمی، نابسامانی وضعیت ترافیک، آلودگی محیط زیست، سیل مهاجران روستایی به شهر و مسائل بسیار دیگر که با تسریع فرآیند شهرنشینی، رشد سریع ارتباطات، اطلاعات و فناوری، جهانی شدن اقتصاد و بازارهای کار و سرمایه و ... دائماً در حال گسترش و پیچیدگی بیشتر هستند، تنها با بهره گیری درست و بهینه از توان ها، استعدادها و ظرفیت های بالقوه و وسیع موجود در شهروندان و منابع شهری در حوزه های گوناگون و در قالب طرح ها و برنامه های مشارکتی قابل حل هستند. تجارب دهه های اخیر بسیاری از کشورهای توسعه یافته و برخی از کشورهای در حال توسعه در ساماندهی مدیریت شهری،



حاکمی از آن است که با پرداختن به توسعه پایدار شهر در سطوح خرد و کلان و از منظر جامعه شناختی، الگوی مناسب برای برون رفت از این چالش ها همانا الگوی مدیریت درون زای محله ای است. در این الگو درباره کوچکترین و همگون ترین واحد شهر، یعنی محله، بررسی، سیاست گذاری، مدیریت و برنامه ریزی انجام میشود. در این دیدگاه کوچکترین و همگون ترین واحد شهر یعنی محله مبنا قرار میگیرد. امتداد منطقی این نگاه منجر به شکل گیری مدیریت از پایین به بالا و توانمند سازی مشارکت فعال شهروندان، توسعه منابع انسانی، تمرکززدایی، ایجاد ظرفیتهای نهادی، تعاملات اصولی، تقویت اجتماعات محلی و نهایتاً ارتقای میزان مشارکت، شعور و آگاهی جمعی شهروندان خواهد شد. مشارکت شهروندان در جامعه شهری حامل پیامدهای مثبت و دو طرفه برای شهروندان و دولت های محلی و شهری است؛ از جمله بسط توانایی های افراد، حل مشکلات شهری از طریق مشارکت، تقویت احساس اطمینان و اعتماد بین شهروندان و شهرداریها و نهایتاً شکل گیری و تقویت هویت شهری و احساس تعلق به شهر. در گذشته مردم در اکثر مسائل مربوط به محله همانند آبادانی محله، ایجاد امنیت در محله، دستگیری از مستمندان و ... مشارکت داشتند، ولی رفته رفته این نقش مردم کمرنگ شد، شهروندان با شهر بیگانه شدند و محله ها هویت خاص خودشان را از دست دادند. در چنین وضعی شهروندان خود را منفعل و جدا از محله و شهر احساس میکنند و شهرداری ها موظف به اداره امور شهر به تنهایی و خالی از مشارکت مردم میشوند و نهایتاً محال و شهر وضع ناپایدار پیدا میکنند انتظارات و توقعات مردم روز به روز از شهرداری بالاتر رفته و شهرداری نیز از مردم سلب مسئولیت میکند. نتیجتاً هر چه مشکلات شهرداری بیشتر میشود، انتظارات و توقعات یک طرفه مردم نیز افزایش خواهد یافت و به این ترتیب شهرداری از شهروندان جدا خواهد افتاد و سوءظن و بدگمانی جای احساس محبت و یکدلی را خواهد گرفت. مشارکت شهروندان نقش محوری در پایداری محلات شهری دارد و البته این مشارکت پایان و حد و سقفی ندارد و میتواند روز به روز در یک جامعه تعمیق یابد. هر چه شهرداری ها زمینه را برای حضور مؤثر و مشارکت فعال مردم آماده تر کنند و حقوق شهروندی آنان را بیشتر رعایت کنند، آنگاه مردم نیز متقابلاً احساس تعلق بیشتری به شهر نشان خواهند داد. مردم زمانی تمایل به مشارکت فعال خواهند داشت که دارای حقوق شهروندی و قدرت عمل کافی و وافی باشند. در این صورت است که آنان نیز به طور فعال به وظایف خود که همان رعایت قانون، ضوابط و مقررات است اهتمام خواهند ورزید و در چارچوب حقوق و وظایف خود مشارکت خواهند کرد. پس مشارکت معلول است نه علت. از جمله عوامل مؤثر در میزان مشارکت شهروندان، گسترش ارتباطات شهروندی و افزایش آگاهی های عمومی به ویژه در حوزه شهروندی است که با موضوع آموزش شهروندی ارتباط تنگاتنگی دارد. برای حرکت به سوی شهری شهروندمدار و نه زورمدار، نظام مدیریت شهری معتبر، استقرار مردم سالاری و خواست مردم؛ تمرکززدایی و محله گرایی در قالب انواع سازمان ها و تشکلهای و تحقق فرهنگ شهروندی، اجتناب ناپذیر است. مشارکت های مردمی هنگامی میتواند در فرآیند توسعه پایدار مؤثر و کارا باشد که به صورت هدف دار، آگاهانه و داوطلبانه در قالب همین سازمان ها و تشکلهای دولتی و غیردولتی تعیین پیدا کند. مشارکت اشکال متنوع و مختلفی دارد که انجمن های شورایی در محلات، محوریترین نوع مشارکت در اداره امور شهرها محسوب میشوند (پوراحمد، ۱۳۹۳)

اهمیت و ضرورت مشارکت شهروندان در توسعه شهری

پس از تجارب بسیار در سطح ملی، محلی و بین المللی، پارادایم جدید توسعه به چهار نتیجه اصلی رسیده است: نخست این که دولت ها به تنهایی قادر نیستند با چالش های توسعه پایدار مقابله کنند. دوم این که مشارکت عموم مردم در تمام مراحل برنامه ریزی، اجرا و ارزیابی ضرورت مبرم دارد. سوم این که دست اندرکاران اصلی، یعنی دولت، بخش خصوصی، جامعه مدنی و نهادهای بین المللی باید برای نیل به مقصود، همکاری صمیمی و نزدیکی داشته باشند. چهارم آن که بهره مند شدن از دانش و مهارت و تخصص برای دستیابی به توسعه مطلوب ضروری است (نمازی و دیگران، ۱۳۸۵). مردم، منابع و مشارکت سه رکن اساسی توسعه انسانی پایدار را تشکیل میدهند، با این تفاوت که مشارکت در مقایسه با دو رکن دیگر نقش ساختاری داشته و دو عامل مردم و منابع در چارچوب آن به فعالیت مطلوب در می آیند. مشارکت عنصری کلیدی در فرآیند توسعه پایدار تلقی میشود و از آن به عنوان حلقه گم شده فرآیند توسعه یاد میشود. تجربه نشان داده است که مشارکت مردمی در اداره امور شهری باعث بهبود کارایی، تخصیص هزینه به سوی اولویت های اجتماعی و پروژه های زیربنایی میگردد. مشارکت مردمی که نوعی تمرکزگرایی در اداره امور شهر میباشد، باعث افزایش توسعه انسانی و عامل برابری و تحقق عدالت اجتماعی- سیاسی میگردد (حکمت نیا و موسوی، ۱۳۸۵). عدم مشارکت مردم باعث توجیه نشدن آنان



نسبت به اهداف طرح و محتوای آن و تهیه طرح بر اساس زمینه فکری مشاور و کارفرما و تهیه طرح بدون توجه به نیازها، خواسته ها و اولویت های مردم میشود. که این مورد باعث مشارکت کمتر مردم در فرآیند اجرای طرحها و برنامه ها میشود. به خصوص اگر این نکته را مدنظر قرار دهیم که قسمت عمدهای از هزینه های اجرایی طرح به طور مستقیم و غیرمستقیم توسط مردم پرداخت میشود، موضوع مشارکت مردم در اجرا ملموس تر میشود (پوراحمد و دیگران، ۱۳۸۵). مشارکت عمومی یک مؤلفه بنیادین در امر برنامه ریزی خوب است. یک طرح جامع و فراگیر طرحی است که با مردم انجام شده باشد. به طور خلاصه باید گفت مشارکت گسترده و استفاده مناسب از مشاوره عموم مردم است که به میزان قابل توجهی موجب واقعگرایی در تدوین اهداف و قابلیت های اجرایی طرح ها و اتکاء طرح بر داده های موثق و دقیق میشود و تضمین کننده موفقیت طرح ها میگردد. تجربه کشورهای مختلف جهان در اجرای طرحهای توسعه شهری نیز این نتیجه را به دست میدهد که اجرای طرحهای توسعه شهری بایستی خارج از قدرت دولت ها قرار گیرد و سرانجام این که موفقیت طرحها در گرو مشارکت گسترده مردم، نهادهای محلی، شهرداریها و دولت مرکزی است (معزی مقدم، ۱۳۸۰). مشارکت مردم به معنای شرکت داوطلبانه و ارادی آنها در فرآیند توسعه است، مشارکت مردم در روند توسعه از چنان اعتباری برخوردار است که توسعه را معادل مشارکت دانسته اند. مشارکت کردن به معنی سهم در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و با آن همکاری داشتن است. به همین جهت از دیدگاه جامعه شناختی باید بین مشارکت به معنی حالت یا وضع (امر شرکت کردن) و مشارکت به عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) تفاوت قائل شد. مشارکت در معنای دوم از تعلق به گروهی خاص داشتن و سهم در هستی آن خبر میدهد و معنای شرکت فعالانه در گروه را میرساند و به فعالیت اجتماعی انجام شده نظر دارد. برخی دیگر از صاحب نظران علوم اجتماعی چنین تعریفی را برای مشارکت ارائه کرده اند: مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت های گروهی است که آنان را برمی انگیزد تا برای دستیابی به هدفهای گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند «مشارکت» حلقه اتصال روابط میان بخش دولتی، بخش خصوصی و بخش مردمی است که در عین تأمین منافع خاص، هدف مشترکی را تأمین میکند و به تحقق آن سرعت میبخشد. مشارکت مردمی امری تحمیلی نیست که از پایین به بالا صورت گیرد بلکه باید شرایطی فراهم شود که مردم با ارتباط روشن و آگاهانه اما در یک چارچوب قانونمند در جریان شکلگیری پروژه حضور یابند (توسلی، ۱۳۸۰).

مشارکت شهروندان و مدیریت شهری

مهمترین هدف مدیریت شهری را میتوان در ارتقای شرایط کار و زندگی جمعیت ساکن در قالب اقشار و گروههای مختلف اجتماعی و اقتصادی و حفاظت از حقوق شهروندان، تشویق به توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار و حفاظت از محیط کالبدی دانست. بنابراین هنگامی که شهر، دارای مشکلات و نارسایی هایی در چرخه امور خود است و از مشکلات بهداشت شهری و آلودگی های محیطی و اقسام آسیب های اجتماعی رنج میبرد و بحرانهایی، همچون مسکن، نقص در ظرفیت کافی تأسیسات عمومی، بیکاری، کمی درآمد، زاغه نشینی، مشقات اجتماعی، رشد خودروی شهری و بی هویتی در شکل گیری بافت ها و ساختمان ها را تجربه میکند، میتوان به این نتیجه رسید که مدیریت شهری آن در تنگنا و نارسایی به سر میبرد. در این باره، مدیریت شهری باید ضمن دارا بودن برنامه برای وضع موجود شهر و فایق آمدن بر مشکلات آن، برنامه های آینده شهر را تدوین کرده، بر اساس آنها، به ترسیم آینده ایده الی که بر مبنای واقعیت ها و شرایط زمان و مکان قرار دارد، بپردازد. در این مورد، مدیریت شهری باید حافظ شهرها و منافع مردم شهرها باشد حال که شاهد افزایش نیازهای انسانی و مشکلات زیست- محیطی شهری در ابعاد وسیع هستیم، مواردی، چون رعایت ترافیک، توجه به فضای سبز، همکاری با شهرداری ها در زمینه رعایت ساخت و سازها، جمع آوری زباله و مسائل عدیده دیگر، نمایانگر مشکلاتی است که امروزه با آنها روبه رو هستیم. از جمله پیامدهای مثبتی که تقویت، قانونمند و عقلانی نمودن رابطه شهروندان- شهرداری ها برای طرفین رابطه و نیز مدیریت های شهری و به ویژه شهرداری ها را دربر دارد، میتوان به موارد زیر اشاره کرد. بسط تواناییهای شهروندان؛ - تقویت حس تعلق اجتماعی شهروندان به شهر و زندگی شهری؛ - تقویت حس اعتماد اجتماعی شهروندان به نظام مدیریت شهری و شهرداری؛ - تقویت حس همکاری میان شهروندان و شهرداری و مدیران شهری؛ تقویت سازوکارهای دموکراسی شهری از طریق تحقق وظایف؛ - حقوق شهروندی و شهرداری (تقوایی و همکاران، ۱۳۸۹).

مفهوم توسعه پایدار شهری



نظریه توسعه پایدار شهری حاصل بحث های طرفداران محیط زیست درباره مسائل زیست محیطی به خصوص محیط زیست شهری است که به دنبال نظریه توسعه پایدار برای حمایت از منابع محیطی ارائه شد. با توجه به تعریف توسعه پایدار، تعریفی که میتوان از توسعه پایدار شهری ارائه داد اینگونه است: توسعه ای که به نیازهای مردم شهر پاسخ گوید، اما بقاء و دوام آن نیز تضمین گردد؛ و در عین حال آب، خاک و هوا، آلوده و بالاستفاده نگردد. به نظر پیتر هال توسعه پایدار شهری، شکلی از توسعه امروزی است که توان توسعه مداوم شهرها و جوامع شهری نسل های آینده را تضمین کند.

اهداف، ابعاد و اصول توسعه پایدار

هدف اصلی توسعه پایدار، تأمین نیازهای اساسی، بهبود استانداردهای زندگی برای همه، حفاظت و مدیریت بهتر اکوسیستم ها است. عمده ترین مباحث و راه حل های توسعه پایدار شهری در مقیاس محلی مطرح میشوند. دلیل این امر، حاد بودن مسائل و بحران های زیست محیطی در مقیاس محلی است. از نمونه اقدامات محلی در قالب توسعه پایدار شهری میتوان به تجربه برخی از کشورها در زمینه حمل و نقل و ترافیک اشاره کرد. نمونه دیگر اقدامات محلی را میتوان تأمین زیرساخت ها و تجهیزات شهری عنوان کرد. مشارکت مردم و برنامه ریزی صحیح کاربری زمین در سطح محلی از جمله مؤثرترین راهکارها در هدایت توسعه های شهری به پایداری است. برنامه - ریزی کاربری زمین اثرات قابل توجهی در ابعاد مختلف اقتصادی و اجتماعی دارد و ارتباط تنگاتنگ با مقوله مسکن، زمین، مراکز تجاری، صنعت و سیستم حمل و نقل دارد. از جمله شاخصهای توسعه پایدار شهری میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- شاخص اجتماعی- فرهنگی حوزه اجتماعی گسترده ترین بعد پایداری است. در این حوزه شاخص هایی که به نیازهای اساسی و بهبود کیفیت زندگی مربوط میشوند، قرار میگیرند. در این شاخصها جزء اصلی تعداد جمعیت است.
- ۲- شاخص اقتصادی این شاخص بر حفظ یا ارتقاء شرایط اقتصادی تأکید دارد. معیارهای اقتصادی ارتباط محکمی با فرآیند شکل گیری سیاستهای اقتصادی دارند. پایداری اقتصادی مبتنی بر ترکیبی از مؤلفه های اقتصادی مربوطه مانند بودجه مدیریت شهری، میزان رشد تورم، تعداد پروژههای عمرانی، اشتغال رسمی و غیررسمی، بیکاری و غیره است.
- ۳- شاخص زیست محیطی پایداری اجتماعی و زیست محیطی به نظامی از فعالیت اقتصادی نیاز دارند که با شبکه اکولوژیکی حیات و شبکه اجتماعی زندگی سازگار باشد. با نگرش اجتماعی به بعد اقتصادی و با استفاده از داده های سرشماری این شاخص -ها قابل تهیه می باشند.

- ۴- شاخص کالبدی مطالعات کاربری زمین و نحوه پراکندگی فعالیتهای شهری مانند مسکونی، راهها، درمانی و آموزشی و رابطه این فعالیت ها با یکدیگر، از جمله داده هایی است که برای تهیه شاخص های کالبدی مورد استفاده قرار میگیرند. بدیهی است توزیع برابر این امکانات و خدمات ضامن دسترسی مطلوب و عادلانه افراد به نیازهای اساسی است و بدون توزیع برابر این فعالیت ها در تمام مناطق و محالت، پایداری حاصل نمیگردد

مؤلفه های اصلی توسعه پایدار

مؤلفههای اصلی توسعه پایدار به شرح زیر است - همبستگی و هماهنگی بین توسعه و حفاظت از محیط زیست - تأمین نیازهای اولیه انسان - دسترسی به عدالت اجتماعی - حفظ و نگهداری همیشگی اکولوژیکی - حفظ و حمایت از ارزش های اجتماعی و فرهنگی توسعه پایدار، بر افزایش روزافزون سرمایه های موجود، تأکید میکند، این سرمایه ها که دارای یک رابطه سیستماتیک در یک نظام متعامل و پویا هستند، در سه بعد، خلاصه میشود:

(الف) سرمایه های فیزیکی و مادی (منابع طبیعی)

(ب) ظرفیت های انسانی

(ج) دستاوردهای اقتصادی- اجتماعی

باورهای مناسب فرهنگی



برای فرآیند توسعه پایدار

الف) اکمیت نگرش علمی بر باورهای فرهنگی جامعه: اولین و مهمترین خصیصه که جریان توسعه پایدار از جنبه فرهنگی بدان نیاز دارد، این است که باید نگرش علمی بر فرهنگ جامعه حاکم شود. یعنی انسان ها باید به مجموعه آرای فرهنگی خود این تفکر را اضافه کرده باشند که هر حادثه های علت یا عللی دارد. به عنوان مثال هر حادثه جدیدی که در ارتباط با طبیعت و محیط زیست اتفاق میافتد ناشی از عللی است که می بایست به صورت علمی کشف گردد. امروزه مشخص شده است بسیاری از بیماریهای شایع، ناشی از آلودگی محیط زیست میباشد. امراضی مانند حصبه، وبا، هپاتیت و غیره ناشی از آلودگی های آبی است. نقص عضوها انواع سرطان ها و بیماری های پوستی ناشی از آلودگی های هسته ای است که اثرات زیانبار آن صدها هزار سال باقی خواهد ماند. اگر انسانها دید علمی داشته باشند، پی خواهند برد که از بین رفتن فضا و پوشش سبز طبیعی یکی از مهمترین عوامل گرم شدن زمین است و پی خواهند برد که گرم شدن زمین باعث رخ دادن حوادث گوناگونی مانند: بروز خشک سالی و قحطی، بحران آب شرب و کشاورزی، از بین رفتن جنگل ها و مزارع، نابودی گونه های گیاهی و جانوری، جاری شدن سیل و سقوط بهمین و می شود. پس اگر این آگاهی ها در قالب باور و اعتقاد علمی به فرهنگ جامعه اضافه شود، خود به خود افراد جامعه به مسائل و پیامدهای ناشی از نابودی محیط زیست و منابع طبیعی پی خواهند برد و تک تک افراد خود را مسئول حفاظت از محیط زندگیشان میدانند

ب) اعتقاد به برابری انسانها و رعایت حقوق دیگران: دومین ویژگی فرهنگی مناسب برای توسعه پایدار این است، که این فکر به عنوان تفکری فرهنگی در جامعه جا بیفتد که انسانها به واقع با یکدیگر برابر هستند. در مطالعات علمی هیچ مبنا و معیاری برای رده بندی نژادی انسانها و نابرابر دانستن آنها وجود ندارد. اگر جامعه انسانی به واقع در عمق باور فرهنگی به برابری انسانها معتقد شدند، آن وقت خود به خود بر این باور خواهند بود که برای رفاه و استفاده شخصی نباید صدمات جبران ناپذیری به طبیعت وارد سازند و نسبت به پیامدهای آن برای نسل آینده بیتفاوت باشند. اعتقاد به برابری انسانها، افراد جامعه را ملزم به این امر میسازد همانطوری که او احتیاج به محیطی سالم برای زندگی دارد دیگران و نسلهای آینده نیز نیازمند منابع طبیعی و محیطی سالم برای زندگی میباشند.

ج) اعتقاد و باور فرهنگی به آزادی بیان: سومین ویژگی فرهنگی مناسب برای توسعه پایدار اعتقاد به آزادی بیان در جامعه میباشد. اعتقاد و باور به آزادی سیاسی و اعتقاد به بحث و گفتگو و سعی در یافتن تفاهم عمومی باید بخشی از ارزش های فرهنگی جامعه باشد. اگر چنین اعتقاد فرهنگی در هر جامعه ای حاکم شود، افراد با نفوذ هیچگاه به خود این اجازه را نمیدهند که به هر بهانه ای چوب حراج به منابع و ثروت ملی بزنند؛ چرا که مورد بازخواست مردمی قرار خواهند گرفت

د) اعتقاد و باور معنوی به منابع طبیعی و محیط زیست: بالاخره چهارمین ویژگی فرهنگی مناسب برای توسعه پایدار این است که باور صرفاً مادی به طبیعت باید از بین برود. در فرهنگ مناسب توسعه پایدار مردم، در کنار توجه کمی به طبیعت باید به طبیعت و منابع طبیعی از بعد کیفی نیز توجه داشت. ارزش درختان را تنها به میوه و الواری که از آن به دست می آید ندانست، بلکه به آرامشی که برای روح و روان انسان، تأثیری که روی احساسات، خلق آثار هنری و سایر منافع معنوی که برای جامعه بشری دارد توجه داشت. اگر این اعتقاد در جامعه ما جا بیفتد، انسانها نسبت به تمام جلوه های طبیعی به دیده احترام مین گردند و در محافظت از این نعمات خدادادی نهایت سعی و تلاش خود را به کار خواهند برد (قرخلو، ۱۳۹۲)

پیشینه پژوهش

تاجیک (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان «نقش مدیریت شهری در توسعه گردشگری پایدار شهر گرگان» انجام داد. هدف از این پایان نامه، بررسی نقش و جایگاه مدیریت شهری در توسعه گردشگری پایدار شهر گرگان است. این شهر به جهت دارا بودن منابع گردشگری و موقعیت جغرافیایی، توانمندی بسیار بالایی در جذب گردشگران داخلی و خارجی میتواند داشته باشد. با وجود پتانسیلهای فراوان در شهر گرگان، این شهر نقش مؤثری در توسعه پایدار گردشگری نداشته است و نیازمند مدیریت مناسب است که هدایت آن را برعهده بگیرد. روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش توصیفی- تحلیلی میباشد که در آن از طریق پیمایش و بهره گیری از روشهای کیفی و کمی اقدام به جمع آوری اسناد و اطلاعات لازم از موضوع تحقیق گردیده است. برای این منظور داده های مورد نیاز با استفاده از ابزار پرسشنامه، جمع آوری گردید. بر همین اساس، جامعه آماری تحقیق حاضر، با استفاده از فرمول کوکران، ۱۰۶ نفر از مدیران و



کارشناسان در سازمان های مختلف مرتبط به امر گردشگری میباشند. میزان پایایی پرسشنامه نیز از طریق آزمون آلفای کرونباخ سنجیده شده است که با مقدار 0/74 نشان از سطح قابل قبول داده های ابزار تحقیق میباشد. یافته های تحقیق نشان میدهد که مدیریت شهری در توسعه گردشگری شهر گرگان، میتواند نقش بسیار بالایی را ایفاء نماید.

لطفی (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان «بررسی نقش مشارکت شهروندان در مدیریت توسعه پایدار شهری منطقه یک تهران» انجام داد. جامعه آماری این تحقیق شامل ساکنین و کارشناسان حوزه شهری منطقه یک تهران بوده که حجم نمونه آن توسط فرمول کوکران محاسبه شد و تعداد ۳۸۴ پرسشنامه پخش گردیده است. روش تحقیق این پژوهش بر اساس اطلاعات کمی به صورت تحلیلی - توصیفی میباشد. نتایج نشان داد که اولاً بین مشارکت شهروندان و مدیریت توسعه پایدار شهری رابطه معناداری وجود دارد. ثانیاً به نظر میرسد همکاری در گسترش فضای سبز شهری، تفکیک زباله در مبدأ (جمع آوری زباله)، امنیت محله از مصادیق بارز مشارکت شهروندان در مدیریت توسعه پایدار شهری است. هر چند نقش امنیت محله به نسبت بقیه کمتر بوده و در عوض نقش به کارگیری انجمن های محله ای جایگاه بالایی داشته است.

توکلی نیا (۱۳۹۶) در مقاله ای با عنوان «تحلیلی بر نقش مشارکت شهروندان در پایداری محله مورد پژوهی: محلات جماران و ولنجک» به مطالعه پرداخت. نتایج پژوهش گویای آن است که در کل مشارکت در محله جماران نسبت به محله ولنجک بیشتر میباشد. در محله جماران مشارکت در بعد یدی و در محله ولنجک مشارکت از بعد مشاورهای بیشتر میباشد. بیشترین میزان همبستگی میان مشارکت و ابعاد پایداری در محلات مورد پژوهش با بعد اجتماعی پایداری و کمترین میزان آن با بعد اقتصادی پایداری محله ای میباشد. در نهایت میتوان گفت با توجه به مشارکت بیشتر در محله جماران این محله پایدارتر از محله ولنجک می باشد.

پالمب و زمفایر (۲۰۱۹) در مقاله ای با عنوان «بهبود عملکرد مدیریت شهری از طریق خدمات دولت الکترونیکی: تجربه رومانیایی» به تشریح نقش دولت الکترونیک در فرآیند بهبود خدمات مدیریت شهری پرداخته اند، یافته های مطالعه آنان نشان میدهد که خدمات دولت الکترونیکی، ابزاری کلیدی برای بهبود خدمات مدیریت شهری است و دستیابی به سطوح بالای خدمات دولت الکترونیکی به منظور تعامل بیشتر بین دولت و شهروندان، امری لازم و ضروری است و همچنین تلاش در جهت توسعه خدمات دولت الکترونیک و سرمایه گذاری در این زمینه را توجیه نموده اند.

سیو- ویوانگ و همکاران (۲۰۱۶) در مقالهای با عنوان «استراتژی مدیریت شهری در چین: مطالعه موردی مناطق توسعه یافته گوانگجو» بیان داشته اند که با وجود این که لزوم مدیریت شهری در دستیابی به توسعه پایدار شهری امری شناخته شده برای مدیران شهری و عموم مردم است، اما هنوز سردرگمی و سوء تفاهم های زیادی درباره مدیریت شهری وجود دارد که مانع اجرای مؤثر طرح های توسعه میباشد. آنان نتیجه گرفته اند که ارزیابی عملکرد مدیریت شهری با استفاده از معیارهای قابل اندازه گیری، میتواند در بهبود عملکرد مدیریت شهری بسیار مفید باشد.

مواد و روش

پژوهش حاضر از نظر روش شناسی بر اساس هدف از نوع بنیادی نظری و کیفی است. چارچوب نظری این تحقیق بر مبنای نظریه های توسعه پایدار و مشارکت شهروندان می باشد و بر اساس ماهیت از روش از نوع توصیفی - تحلیلی است. داده ها از طریق مطالعات کتابخانه ای - اسنادی، مشاهدات میدانی گردآوری شده است



نتیجه گیری

در عصر حاضر مشارکت در همه قلمروها نقش عمده‌ای دارد و شهروندان به صورت فردی و گروهی، خواهان حاکمیت بر سرنوشت خود هستند. مهمترین جنبه های مشارکت، فراهم آوردن پیش شرط های لازم برای استفاده از توانایی بالقوه مالی، علمی، فکری و غیره آنان است. سپردن امور به شهروندان، مستلزم روحیه مشارکت طلبی و کار جمعی است که تاکنون در جامعه ما زمینه مساعد چندانی برای آن وجود نداشته است. جایگاه مشارکت در قوانین برنامه ریزی شهری در ایران در چارچوب قوانین و مقررات متعددی انجام میشود. این قوانین و مقررات از منابع مجلس شورای اسلامی، دولت، شورای عالی شهرسازی و معماری و وزارتخانه راه و شهرسازی تدوین و تصویب میشود. مقررات مربوط به تعیین جایگاه مردم و شوراهای در فرآیند برنامه ریزی شهری شامل دو گروه مقررات مربوط به تعیین حدود وظایف و اختیارات شوراهای و مقررات مربوط به تعیین حدود برنامه ریزی شهری شامل فرآیند تهیه و تصویب است. در این دو گروه از قوانین به نقش مردم و شوراهای و الزامات تعامل بین بدنه برنامه ریزی و تصویب برنامه های شهری و نهادهای مردمی نظیر شوراهای اشاره میشود. نتایج این پژوهش نشان داد که شهر اساساً یک پدیده فرهنگی اجتماعی است. هر گونه توسعه شهری در تمامی حوزه ها از ساخت و ساز و حمل و نقل گرفته تا فعالیت های اجتماعی، هنری، مسائل مربوط به بهداشت و سلامت روان و غیره تحت تأثیر باورها، ارزشها، هنجارها و انگاره های شهروندان قرار دارد. بر همین اساس میتوان با قطعیت ابراز داشت که در جهان معاصر با توجه به روند سریع گسترش شهرنشینی، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، حل مسائل و مشکلات شهری بدون شناخت صحیح خواسته ها و نیازهای شهروندان، بر مبنای ارزش ها، رها و انگاره های فرهنگی آنها، امکانپذیر نیست و اگر هم امکان پذیر باشد، تجربه نشان داده است که کمک چندانی به ارتقای سطح زندگی در شهرها نکرده و چه بسا گاه فاصله مدیران شهری را از وضعیت مطلوب و مورد نظرشان بیشتر نیز کرده است. این مسأله در کشور ما به دلیل برخورداری از یک پیشینه فرهنگی غنی و باورهای مذهبی ریشه دار از اهمیتی دو چندان برخوردار میباشد. از همین رو یکی از مهمترین راهکارهای ارتقای سطح توسعه فرهنگی اجتماعی در شهرها عبارت است از افزایش سطح مشارکت شهروندان در مدیریت شهری و استفاده از پتانسیل ها و ظرفیت های خلاقانه آنها.

پیشنهادهای

پیشنهاد میشود کلاس ها و کارگاه های تخصصی آشنایی با مباحث مدیریت شهری، برای کارکنان شهرداری و اعضای شورای شهر برگزار گردد و بودجه شهرداری شهر به صورت منطقی و با اولویت بندی نیازهای شهروندان در بخش های کالبدی- عمرانی، اجتماعی- فرهنگی و مالی- اقتصادی تقسیم بندی شود. همچنین پیشنهاد میشود به طرق مختلفی اطلاعات شهروندان در زمینه مدیریت شهری و توسعه پایدار شهری و عملکرد ماهانه و سالانه مدیریت شهری شهر افزایش یابد. همکاری بین سازمان شهرداری، سایر نهادها و سازمانهای موجود در شهر تقویت شود تا بتوانند هر چه سریعتر در بهبود مؤلفه های توسعه شهری شهر گام بردارند. همچنین لازم است سیاست ها، قوانین و مقررات در زمینه طرح های عمرانی و توسعه شهری بیش از گذشته شفاف سازی شود.



منابع:

- ۱- پوراحمد، مجتبی (۱۳۹۳) برنامه ریزی و حاکمیت اجتماعات محلی. نامه مدیریت شهر.
- ۲- تاجیک، حمیده (۱۳۹۷) نقش مدیریت شهری در توسعه گردشگری پایدار شهر گرگان. پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت جهانگردی. دانشکده علوم گردشگری، موسسه آموزش عالی حکیم جرجانی گرگان
- ۳- تقوایی، مسعود؛ بابانصب، رسول؛ موسوی، چمران (۱۳۸۹) تحلیلی بر عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری، مطالعه موردی: منطقه ۴ شهر تبریز. مجله مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای. سال اول، شماره دوم.
- ۴- توسلی، محمود (۱۳۸۰). اصطلاح شناسی نوسازی و بهسازی شهری. مجله هفت شهر. شماره ۲۰.
- ۵- حکمت نیا، حسن؛ موسوی، میرنجف (۱۳۸۵). تحلیلی تاریخی از مشارکت شهروندان در اداره امور شهرهای ایران. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. سال ۲۱، شماره ۸۰
- ۶- رفیعیان، سجاد (۱۳۹۵) بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهری و ارائه الگوی مناسب (مطالعه موردی فسا). پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه سیستان و بلوچستان
- ۷- علیزاده، کتابون؛ رضوی نژاد، مرتضی؛ رادفر، مینا (۱۳۹۷) بررسی و نقش مشارکت مردم در اداره امور شهری (نمونه موردی منطقه ۱۰ شهرداری مشهد). فصلنامه مطالعات برنامه ریزی شهری. ۶-۸۷.
- ۸- قرخلو، مهدی (۱۳۹۲). تحلیل سطح پایداری شهری در سکونتگاه غیررسمی (مورد: شهر سنندج). نشریه پژوهش های جغرافیای انسانی. شماره ۶۹.
- ۹- کاظمیان، غلامرضا؛ سعیدی رضوانی، احمد (۱۳۸۲). درآمدی بر الگوی حکمرانی شهری. فصلنامه جستارهای شهرسازی. شماره ۲۰.
- ۱۰- کیانی، گشتاسب (۱۳۸۶) بررسی وضعیت و عملکرد مدیریت شهری (نمونه موردی: سکونتگاههای شهری استان چهارمحال و بختیاری). پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- ۱۱- معزی مقدم، حسین (۱۳۸۰). طرحهای توسعه شهری و دلایل تحقق آنها در ایران. فصلنامه آبادی. سال ۱۲، شماره ۵.
- ۱۲- مهرآبادی آرانی، علی (۱۳۹۵) تأثیر فعالیتهای شوراهای اسلامی شهر بر عملکرد مدیریت شهری ایران (مورد مطالعه: منطقه کاشان) پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت دولتی گرایش تحول، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق
- ۱۳- لطفی، اکرم (۱۳۹۶). بررسی نقش مشارکت شهروندان در مدیریت توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی منطقه یک تهران). پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری. دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران
- ۱۴- نمازی، محمدباقر؛ حسینی، وحید؛ سعیدی، خسرو (۱۳۸۵). نقش سازمانهای غیردولتی در بازسازی بافتهای تاریخی. مجموعه مقالات اولین همایش ملی مدیریت بحران زلزله. دانشگاه یزد
- ۱۵- هاشمی، سید مناف؛ یحیی پور، محمد (۱۳۹۰). سیاستهای مدیریت شهری در کشورهای مختلف (رویکرد راهبردی- فراتحلیلی- یکپارچگی شهری) تهران: انتشارات طحان.
- ۱۶- هزارجریبی، جعفر؛ امانیان، ابوالفضل (۱۳۹۰) آگاهی زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن. مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای. سال سوم، شماره نهم

۱۷- Chen, Xueming (2019): urban planning management system in Los Angeles: an overview, Theoretical and Empirical Researches in urban management.

۱۸- Giddens, Anthony (2016). Sociology, Fifth Edition, Cambridge, polity press.

Review of the performance of urban management with emphasis on citizen participation in Sustainable Urban Development

Zohreh Ahmadi

**Master of Arts, archaeology, Islamic Free University
of the Abhaar unit**

1-1-

Abstract - ۲-۱

Given the major and vital role of citizens ' participation in urban management and ultimately sustainable urban development, it is essential for cities to conduct research like this, because it will identify strengths and weaknesses and ultimately provide appropriate solutions to improve deficiencies and will have a major impact on providing optimal urban services to citizens, accelerate the development and construction of urban areas and ultimately optimal management of various cities in Iran. The present study was aimed at examining the performance of urban management with emphasis on citizen participation in Sustainable Urban Development. The present research is methodologically based on the objective of the fundamental theoretical and qualitative type. The theoretical framework of this research is based on theories of sustainable development and is based on the nature of the method of the descriptive - analytical type. The data is compiled through library - document studies, field observations. The research showed that there is a relationship between urban management and the level of citizen participation between urban management and sustainable urban development between Sustainable Urban Development and the level of participation of city citizens and finally proposals were made to increase the role of citizen participation in urban management development and sustainable urban development of the city.

Keywords: Urban Management, Sustainable Development, citizen participation, ”. - ۱-۳